



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۰۴ اگست ۲۰۲۱

حمید انوری

تفاوت از یک "الله اکبر" تا "الله اکبر" دیگر

تفاوت و یا فرق بین یک "الله اکبر" تا "الله اکبر" دیگر، تفاوت از زمین است تا ثریا. "الله"، یک "الله" است و اکبر هم به معنی بزرگ که همان یک معنی را افاده میکند، ولی و اما و مگر، آن "الله اکبر" در حال و احوال و اوضاعی شکل گرفت و به بار نشست، که کشور ما عملاً در اشغال تجاوزگران روسی قرار داشت، حکومت دستنشانده بود، یک جو به شدت پولیسی در کشور، بخصوص در کابل حکمفرما بود.

رادیو و تلویزیون و تمام منابع خبری و تبلیغاتی در کنترل عام و تام اشغالگران روسی و غلامان گوش بفرمان خلقی و پرچمی شان قرار داشت، هر آنچه بعد از ۹ شب، جنب میخورد، به گلوله بسته می شد، زمین و زمان و فضا در کنترل شدید تجاوزگران روسی قرار داشت و پشه را در هوا هدف قرار میدادند و....

در آن شرایط مختنق، ناگهان آواز ملکوتی "الله اکبر"، از بامی در کابل دریند کشیده شده بلند شد، آهسته آهسته، از بامی دیگر سر بدر آورد و کم کمک تمام کابل را فرا گرفت و لرزه بر وجود بی وجود تجاوزگران روسی و غلامان بی مقدار خلقی- پرچمی شان افگند و...

در آن حماسه "الله اکبر" گویان، هیچ سازماندهی در کار نبود، هیچ تبلیغی صورت نگرفته بود، هیچ انترنت و کامپیوتری وجود نداشت، هیچ رادیو و تلویزیونی در اختیار مردم شریف کابل قرار نداشت و هیچ شبنامه و روزنامه ای در کار نبود و هیچ ترتیبات داخلی و خارجی در زمینه و در مورد صورت نگرفته بود و مردم فقط و فقط آزادی می خواستند و نفرت و انزجار شانرا از تجاوزگران روسی و پادوان خلقی و پرچمی شان ابراز میداشتند و...

و اما این ترتیبات انترنتی و حکومتی، از طریق انترنت و رادیو ها و تلویزیون های شخصی و دولتی و سایت های انترنتی داخل کشور و خارج از کشور در حالی صورت می گیرد که تبلیغات

گسترده ای را به راه انداخته اند و کاملاً پلان شده، فرمایشی، حساب شده و در حمایت مستقیم حکومت مرکزی در دفاع از نیروهای پولیس، اردو، امنیت ملی و یک مشت از خدا بی خبر در "شورای ملی"، طرح ریزی شده است. یعنی اینکه نه تنها خودجوش و ملی و مردمی نیست، بلکه گویا "الله اکبر" سرکاری است.

جالب اینجاست مگر که هم طالب "الله اکبر" گفته و سر میبرد و سنگسار میکند و مشغول کشتار مسلمان ها است، هم حکومت "الله اکبر" گفته مسلمان می کشد و هم مردم "الله اکبر" گفته در بین دو سنگ آسیاب خورد و خمیر می شوند.

و اما آن عده از هموطنان ما که از امریکا و اروپا و شرق و غرب و...، گویا دستی از دور در آتش دارند، آیا میدانند و احساس میکنند که در صورت درگرفتن جنگ در کابل، چه اتفاق خواهد افتاد؟! چه بجا گفته اند "سوار از دل پیاده نمی آید و سیر از دل گرسنه"!

چه درد آور است که با چشم و سر مشاهده میکنیم، امروزه روز، "الله اکبر" هم خرید و فروش می شود، بازار "الله اکبر" گفتن، سخت رونق یافته است و یک مشت از خود و خدا بی خبر هم بالای "الله اکبر" تجارت میکنند.

مگر از یاد برده ایم که چند جنگ جو و جنگ آور و جنگ فروش و جنگره، در خانه خدا و به نام خدا قسم یاد کردند که دست از جنگ می کشند و گویا به "رسن خدا"، چنگ میزنند و...، اما درست فردای آن قسم خوردن در خانه خدا، جنگ های مدحشی را دوباره از سر گرفتند و...

مگر همین تورن اسمعیل نبود که در زمان قدرتمداری خود در حوزه جنوب غرب، زنان و دختران مردم را از راه و بازار و از کوچه و خیابان جمع آوری میکرد و با تحقیر و توهین به شفاخانه ها می فرستاد تا از باکره بودن شان اطمینان حاصل کند و... او هم همان دیوانه بازی های متعفن خود را با "الله اکبر" آغاز میکرد و...

آیا به یاد داریم که تمام وحشت و دهشتی را که عطا محمد تاریک در مزار شریف به راه انداخته بود و...، با "الله اکبر" شروع و ختم میکرد...

آیا فراموش کرده ایم که گلبدین راکتیار که در یک روز بیشتر از هزار راکت به کابل فیر میکرد، در فیر هر راکت "الله اکبر" میگفت؟!

آیا حافظه تاریخی ما هنوز بجا است و کار میکند که ملیشه کثیفی بنام رشید دوستم، مشهور به "گلم جم"، را "الله اکبر" گفته "خالد بن ولید" و "مجاهد کبیر" ساختند و آیا فراموش کرده ایم که همین ملیشه کثیف و جنایتکار پلید و خونریز را "الله اکبر" گفته معاون اول ریاست جمهوری ساختند؟

آیا فراموش کرده ایم که همین ملیشه گلم جم، در کشتار هموطنان ما بعد از سقوط حکومت نجیب گاو، فریاد "الله اکبر" سر می داد؟

آیا فراموش کرده ایم که همین دوستم "گلم جم"، چگونه به "ایشچی" تجاوز جنسی کرد و چند دوست و رفیق گرمابه و گلستان خود را، "الله اکبر" گفته بی عزت و بی آبرو ساخت و...
آیا فراموش کرده ایم که همین حالا، دوستم "گلم جم"، عطا محمد "تاریک"، اسمعیل "سیه دل"، محقق به حقیقت نرسیده، مشهور به "ماهیچه خور" و چند رسوای دیگر، "الله اکبر" را وسیله قرار داده و به اهداف شوم خود می اندیشند و...

از طرف دیگر، در کشور به خاک و خون غلتیده ما، حدود ده سال را به هدر دادند، بلیونها دالر و یورو مصرف کردند، پول های گزافی را به جنگ سالاران و جنگجویان و جنگ آوران تحفه پیشکش کردند و...، و ادعا نمودند که خلع سلاح همگانی یا به اصطلاح فرنگی (DDR) گویا موفقانه به پایه اکمال رسید و...

پس امروز اینهمه سلاح های سبک و سنگین از کجا سر بیرون کردند که هر جنگ سالاری، به صد ها و هزاران میل سلاح سبک و سنگین بین اجیران استخدای خود، یکتبیه توزیع کردند و میکنند هنوز؟!

این در حالیست که هنوز حکومت مرکزی بصورت رسمی یا غیر رسمی آغاز به توزیع سلاح نکرده است.

از اینها گذشته، شاید این کمپاین تبلیغاتی، روزی چند، مورال و روحیه جنگی و ملی سربازان و رزمندگان اردوی ملی را بالا ببرد، اما در دراز مدت هیچگونه کاربرد عملی نخواهد داشت. بهتر خواهد بود تا حکومت مرکزی یک راهکار دراز مدت و کارا را روی دست گیرد.

چهار یا شش وکیل پلو خور و سرمایه دار در شورای ملی یا همان "پارلمان"، اگر یکی دو روزی از برای نمایش، یک مشت افراد اجیر شانرا به جبهات جنگ بکشانند، خبرنگاران، گزارشگران و رادیو ها و تلویزیونها را در خدمت گرفته و فلم ها و کلیپ های فرمایشی تهیه کرده و تبلیغات نمایند، درست مانند دو سه وکیل و سه چهار جنگ سالار، عاقبت چون ایمان قوی ندارند و منافع شخصی شانرا بالاتر از منافع ملی میدانند، فرار را بر قرار ترجیح می دهند، راه خود را میگیرند و آل و اولاد و فرزندان خود را به خارج انتقال داده و سرمایه های هنگفت شان هم در بانک های خارج است. و اما دریغا و دردا که باز هم این مردم شریف افغانستان خواهند بود که گوشت دم توپ دو طرف جنگ خواهند شد، درست مانند چهار دهه پسین.

و آخر هم اینکه بر علاوه تفاوت و فرق بین آن "الله اکبر" گفتن ها و این "الله اکبر" گفتن های تبلیغاتی که فرقی است از زمین تا ثریا، و علاوه بر این که هر دو جانب جنگ و هم مردم عام افغانستان همه هم مسلمان اند، در این جنگ "الله اکبر" گویان، همه و همه مسلمان اند و من نمی دانم که در مسلمان کشی هم می شود "الله اکبر" گفت و مسلمان ها را از دم تیغ عداوت کشید، یا خیر؟!

از نظر این کمترین بهترین رهکار در دراز مدت، جهت تقویۀ روحیۀ رزمی سربازان افغان در جبهات داغ نبرد با طالبان سیه دل و متحجر و خونریز و حامیان پاکستانی و ایرانی آنها، بلند بردن معاشات، دادن امتیازات مادی و معنوی برای رزمندگان اردوی ملی و خانواده های آنان، رسانیدن کمک های لوژستیکی به موقع و مؤثر برای عسکر، انتقال فوری و بی معطلی زخمیان از میدانهای نبرد، به شفاخانه ها، امکالات کافی، خبرگیری و کمک های مؤثر به خانواده های سربازان سر باخته و اطمینان دادن کامل به سربازان میدان نبرد که در بدترین شرایط جنگی، بهترین افراد کماندو و نیرو های هوایی در کمترین وقت به کمک آنان بدون اندکترین وقفه و بدون بهانه های کس مخر و...، فرستاده می شوند و هرگز نمی گزارند که قرارگاه های نیرو های مسلح به معاصرۀ ایله جاران طالب و حامیان خارجی شان در آید و...

اینها همه می توانند روحیۀ جنگی و مبارزاتی سربازان را در میدان نبرد برای جنگ های دراز مدت خیلی ها بالا ببرد.

"الله اکبر" گفتن، یک روز، دو روز، نی که تا نوروز. این کار چاره اساسی نیست، فقط کلوخ ماندن و از آب گذشتن است.

